

مطالع مکرم من دام اقبله

هر آنکه که از راه محبت و یاد آوری ارسال فرموده بودید رسید بخبار که ورقی که از انجا
 در آینه خاطر من نشسته بود زایل گردید لهذا الان بمقام کلمندی می آیم که جناب محبت تا
 در حق من بسیار حیف و جفا جانیه شمردید من نسبت بجفا شما صداقت و محبت داشتم سزای آن ^{جفا} ^{حیف}
 نبود خودتان انصاف دهید که در مدت توقف جناب شما در نقلیس هرگز حرکتی از من صادر شد که
 خلاف رای جناب شما بوده باشد اما من از حالت جناب شما نسبت بنحو حق سکایت تو انم ^{داشت}
 چه کردید آن کتابچه های الفبا مرا که از من گرفتید چه شد آن وعده های پی در پی که بمن میدادید
 حالا هم می نویسد که باسلامبول بنایم بچه امتیاد بچه اعتماد بهر صورت در حاشیه کاغذ که نگاه
 از جناب شما بخندومی میرزا عبدالرحیم خان میرسد معلوم فرمایید که در خزان سال آینده آمدن ^{من}



The Ghani Collection at Yale

بسم الله الرحمن الرحيم بوعده دو و سه ماه بنا بر مطالبیکه معلوم جناب شماست صلاح است یا نه جناب مجد تمام ^{شما}

بر وفق خاطر خواه دوستان آرزوی خود رسید بخت آرزوی خود نرسد جناب شما میداند

که من بواسطه اعمال و افعال خود عند الله و عند الناس تقصیری ندارم پس چرا از نیل مقصود خود ^{محرور}

جانم مگر اینرا بگویند که مقصود من از جمله محتاجات اما اینرا در تفسیر نمی گفتید مگر در غیبت من گفته باشید ^{اگر}

بسم الله الرحمن الرحيم بامه تصنیفات خود را که هفت تخیل است و الان چاپ می یابد خواه ^{آورد}

در سفارتخانه دولت بهیئت روسیه من دوستی دارم بهرنیچ سین نام که درین اوقات بمنصب ترجمان

دوم سفارت قسطنطنیه منصوب گشته است مرا سله با و میفرستد و در باب ایصال آن متوقع فرمایند

جناب مجد تمام شما میباشم بشرطیکه بهر خسین اعلام فرمایید که جو ابر اینر در تومی پاکت ^{شما}

بمیرزا عبد الرحیم خان بفرستد که بمن برساند زیرا که قبل ازین بهر خسین مرا سله فرستاده جو ابشر حاصل ^{نکرده ام}

و تشکیکی در خاطر پیدا شده است که بلکه بهر خسین جو اب فرستاده است اما شخص معلوم ^{ندارد} است ^{میرزا فتح آخوندزاده} ^{اینجا بر سره تفهین}



The Ghani Collection at Yale